

## جلوه‌های مؤاسات در سیره علمدار کربلا

دکتر محسن احتشامی نیا<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش ۹۶/۰۲/۱۵

تاریخ دریافت ۹۵/۱۲/۰۱

### چکیده

یکی از جلوه‌های باشکوه واقعه کربلا مؤاسات است و حضرت عباس علیه السلام یکی از قهرمانان مزین به این خصلت اخلاقی بوده است، طبق احادیث و روایات مؤاسات آثار وجودی متعددی همچون جلب رحمت و محبت نزد خدا و خلق خدا، تأیید شیعه بودن و برکت و فزونی رزق را به دنبال دارد و در بعضی از روایات بالاترین و دشوارترین عمل و هم ردیف نماز و روزه و زکات قرار گرفته است. مؤاسات نشانه یک جامعه آرمانی و ایمانی نیز هست که الگوی عملی آن در رفتار بزرگان دین تجلی نموده است، تا جایی که معصومین این ویژگی را در دعاهای خود از خدا طلب کرده‌اند؛ به جرأت می‌توان گفت نقطه‌اعلی و اتم ایثار و مؤاسات در سراسر مراحل زندگی و حتی شهادت حضرت عباس علیه السلام نمایان است و جلوه‌های آن در همه ابعاد طیبه‌اش، اعم از مؤاسات قلبی، زبانی و عملی در سیره ایشان مشاهده می‌گردد. این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی و براساس استنتاج از آیات و روایات و منابع تاریخی به اثبات مطلب فوق پرداخته است.

**کلید واژه:** مؤاسات، عباس بن علی علیه السلام، کربلا.

---

۱. استاد یار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی m.ehteshaminia@yahoo.com

## مقدمه

بررسی تاریخ و عبرت‌های آن از نکاتی است که هرانسان فرهیخته‌ای می‌تواند از فوائد و نتایج آن بهره‌مند گردد، تا جایی که می‌توان گفت از جمله اموری است که بداهت آن بر همگان واضح است و برای اثبات این مطلب نیازی به استدلال و برهان نیست. بررسی تاریخ صدر اسلام و سیره پیشوایان دین، از همین مقوله است. یکی از نقاط عطف و تاریخ پرشکوه ولایت اهل بیت، واقعه عاشورا است که بدون اغراق از وقایع تأثیرگذار در جهان اسلام و بلکه در جهان بشری است و بررسی تأثیر این واقعه در تاریخ بشریت خود احتیاج به تألیف مقالات و کتاب‌های بی‌شماری دارد که باید ابعاد مختلف آن را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

اما بی‌گمان عاشورا فقط یک تاریخ نیست بلکه فراتر از تاریخ است عاشورا یک جغرافیا نیست بلکه فراتر از جغرافیاست عاشورا یک گروه یا حزب نیست بلکه فوق همه مقولات است، عاشورا مکتبی است که می‌توان از آن درس‌های فراوان اعتقادی احکام و فروع دین و اخلاقی آموخت، در بحث اصول و عقائد درس‌هایی همچون: درس توحید، درس نبوت، درس امامت، درس معاد و درس عدل الهی و در بحث فروع درس‌هایی مانند: درس نماز اول وقت، درس غسل، درس طهارت، درس جهاد و درس امر به معروف و نهی از منکر و در بحث اخلاقی مشاهده‌گر دقیق می‌تواند در این صحنه پیکار، آموزه‌های والایی از درس اخلاق را در جلوه کامل و متعالی آن بنگرد یعنی صبر، مروت، وفا، غیرت، ایثار و مؤسسات.

این مقاله می‌خواهد پس از بیان مفهوم‌شناسی مؤسسات و ویژگی‌های مؤسسات، به بررسی برخی از وجوه مؤسسات در سیره علم دار کربلا یعنی حضرت عباس بن علی علیه السلام اشاراتی گذرا داشته باشد.

## ۱. مفهوم‌شناسی

مؤسسات با ساختار صرفی مصدر مزید از باب مفاعله و از ریشه (أسی) یا (أسو) ذکر شده است که می‌بایست به بررسی آن از چند وجه پرداخته شود:

## ۱-۱. معنای لغوی مؤاسات در فارسی

این کلمه در فرهنگ‌های معاصر فارسی به معنای «غم خواری، یاریگری، مددکاری به مال، برابرگردانیدن او را با خویش و مشارکت و مساهمت در رزق و معاش (دهخدا، ۱۳۷۷ ش:ج ۱۴/ص ۲۱۷۳۰)، یاری، کمک، یاری کردن به کسی و با او در رفع مشکلاتش همراه شدن و این که در فارسی کلمه مواسا و مواسا کردن در همین معنی کاربرد داشته است. (انوری، ۱۳۸۱ ش:ج ۷/ص ۷۴۵۲)

## ۱-۲. معنی لغوی «مؤاسات» در عربی

درباره اشتقاق این کلمه و ریشه‌شناسی آن در کتاب‌های معتبر عربی این چنین آمده است:

خلیل بن احمد فراهیدی (م ۱۷۵ ه) تفاوتی بین معنای لغوی دو ماده «اسو» و «اسی» قائل نشده و معنای هر دو را به معنای اندوه و حزن بیان می‌کند و زیر ماده «اسی» می‌گوید:

الأسى؛ مقصور: الحزن على الشيء، أسى، يأسى فهو أسيان والمرأه أسى والجمع أسايا وأسيانون وأسيات (فراهیدی، ۱۴۱۴ه:ج ۱/ص ۸۵)

ابن درید ازدی (م ۳۲۱ ه) معتقد است که، این دو کلمه از ریشه «وسی» هم می‌تواند باشد زیرا آورده است: «أسيت الرجل وواسيت مواساه» به معنی درمان جراح است و اسم «أسوه» را نیز از همین ریشه می‌داند (ابن درید، ۱۴۲۶ ه:ج ۱/صص ۶۳-۶۴) فیروزآبادی نیز این کلمه را از ریشه «اسوه» آورده و او نیز این کلمه را با اسوه مرتبط ساخته و «أساه بماله مواساه» را اناله منه و جعله فيه اسوه» برابر دانسته و معنی آن را بخشیدن چیزی از جانب خود و الگو قرار گرفتن آورده است. (فیروزآبادی، ۱۳۷۱ه:ج ۴/ص ۳۰۱)

خلیل جرهم این کلمه را از ریشه «اسی» و «وسی» دانسته و مؤاساه یا مواساه بین دو چیز را به معنی همتراز و مساوی شدن دو چیز می‌داند و معتقد است مؤاساه یا مواساه برای شخصی یعنی در مصیبت آن شخص به او تسلی دادن است و در مثل آمده: برادر تو

کسی است که تورا یاری کند «ان اخاک من آساک» و همینطور آسی که مونث آن «آسیه» است و به معنی شخصی معالجه کننده می باشد که البته «آسیه» نام همسر فرعون زمان حضرت موسی علیه السلام نیز می باشد. (جُر، ۱۹۷۳ م: ص ۴)

### ۳-۱. معنی «مؤاسات» در کاربرد قرآنی - حدیثی

این کلمه در قرآن یک بار در ساختار فعلی به کار رفته است «فَكَيْفَ آسَى عَلَى قَوْمِ كَافِرِينَ (اعراف/۹۳) «الاسی» به معنی شدت حزن است (زمخشری، بی تا: ج ۲/ص ۱۳۱ و طبرسی، ۱۳۷۹ ش: ج ۳/ص ۴۵۰) اشتقاق این کلمه به صورت فعلی در آیه شریفه «فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (مائده/۲۶)» و آیه «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ (حدید/۲۳)» است که در هر دو مورد از ریشه «آسی» و به معنی حزن و اندوه به کار رفته است و اشتقاق اسمی آن در آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (احزاب/۲۱)» که قرشی (۱۳۵۷- حال حاضر) «أسو» و «أسوه» را دو ماده جدا در نظر گرفته و با استناد به قول راغب اصفهانی (۵۰۲ م) آورده که به خوب و بد، هر دو اطلاق می شود ولی در قرآن با «حسنه» توصیف شده است (قرشی، ۱۳۵۲: ج ۱/ص ۸۷)

ابن اثیر (م ۶۰۶ ه) آورده است که کلمه «آسی» و «أسوه» و «مؤاساه» در حدیث کاربرد زیادی دارد و معنی آن مشارکت و یاری رساندن در معاش و رزق است و (أسوت بین القوم) را معادل (اصلحت بین القوم) دانسته است (ابن اثیر، ۱۴۲۲ ه: ج ۱/ص ۳۲) طریحی (م ۱۰۸۵ ه) نیز کلمه مؤاسات را برگرفته از ریشه «أسوه» به معنی الگومی داند و آورده است «لَكَ بِرَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ وَ بِعَلِيِّ أُسْوَةٌ» و ثروت بدهکار بین طلبکارانش به صورت مساوی تقسیم می شود: «المال أسوه بین الغرما» که «أسوه» به معنی شرکت دادن دیگری در کفاف رزق و معاش خویش می باشد (طریحی، ۱۴۳۱ ه: ج ۱/ص ۲۵) در نهج البلاغه کلمه مؤاسات در موارد زیر به کار رفته است:

۱. در احترام متقابل اجتماعی می فرماید:

لَيْتَأَسَّ صَغِيرُكُمْ بِكَبِيرِكُمْ؛ (دستی نهج البلاغه: خطبه ۱۶۶/ص ۳۱۸)

باید کوچکتان به بزرگتان احترام بگذارد.

۲. نامه به محمد بن ابی بکروقتی که به مصر فرستاده شد:

وَ أَسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ؛ (همان: نامه/۲۷/ص ۵۰۸)

در نگاه و نیم نگاه و در خیره شدن به مردم به تساوی رفتار کن.

۳. خطاب به یکی از عمال خطا کار [با اینکه نسبت فامیلی داشت] فرمود:

فَلَا ابْنَ عَمِّكَ أَسَيْتَ وَلَا أَمَانَةَ أُدَيْتَ؛ (همان: نامه/۴۱/ص ۵۴۶)

نه پسر عمویت را یاری کردی و نه امانت را ادا کردی.

۴. در وصف دنیا می فرماید:

أَنَّ الدَّهْرَ مُوتِرٌ قَوْسُهُ لَا تَخْطِي سِهَامُهُ وَلَا تُؤْسِي جِرَاحُهُ؛ (همان: خطبه/۱۱۴/ص ۲۲۰)

روزگار کمان خود را به زه کرد و تیرش به خطا نمی رود و زخمش بهبودی ندارد

۵. درباره تحریک یارانش به جنگ و جهاد با اصحاب معاویه در جنگ صفین فرمود:

أَجْزَأَ أَمْرُؤُ قِرْنَهُ وَأَسَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ؛ (همان: خطبه/۱۲۴/ص ۲۳۶)

هرکس باید برابر حریف خود بایستد و کار او را بسازد و به یاری برادر خویش نیز

بشتابد.

۶. نامه حضرت به مردم مصر [که همراه مالک اشتر] فرستاد:

وَلَكِنِّي أَسَى أَنْ يَلِيَّ [هَذِهِ الْأُمَّةَ] أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سُفَهَاؤُهَا وَفُجَارُهَا؛ (همان: نامه

۶۲/ص ۶۰۰)

اما من از این اندوهناکم که بی خردان و تبهکاران این امت، حکومت را به

دست آورند.

#### ۱-۴. تبارشناسی «مؤاسات» در علم اخلاق

ابوالبقاء کفوی (م ۱۰۹۴ه) آورده است که «مؤاسات» را از ریشه «اسو» و به معنی «اصلاح» می باشد و آسی در باب مفاعله را به معنی یاری کردن برادر خویش با جان و مال

بیان می کند. (کفوی، ۱۴۳۱ه: ص ۹۴)

تهانوی (م ۱۷۰۷م) معتقد است که این لغت در اصطلاح علم اخلاق عبارت است از: «دیگری را به منزله خود گرفتن در نفع رساندن به او و یا دفع ضرر از او» و در این معنا

مترادف با کلمه «ایثار» است یعنی مقدم داشتن دیگری بر خویش که خود نهایت دوستی و برادری است. (تهانوی، بی تا؛ ج ۱/ص ۱۰۳)

جرجانی (م ۸۱۶ ه ق) در التعریفات خود می نویسد که تفاوت بین مواسات و ایثار در آن است که ایثار مقدم داشتن غیر بر خود در نفع و دفع است که اوج برادری است. (جرجانی، ۱۴۱۸ ه ق ص ۳۰۴)

شمس الدین محمد آملی (م ۹۵۰ تا ۹۶۰ ه ق) بیان داشته است که در علم اخلاق، وقتی صحبت از مکارم اخلاقی می شود از سه قوه برای نفس صحبت به میان می آید:

قوه عاقله که آن را نفس ملکی گویند که آن مبداء فکر، تمیز، شوق و نظر در حقایق امور است؛ قوه غضبی که آن را نفس سبعی خوانند و آن مبداء غضب، جرات، اقدام بر تحصیل اموال و شوق تسلط و ترفع و مزید جاه بود و سوم قوه شهوانی که آن را نفس بهیمی خوانند و آن مبداء شهوت، طلب غذا، شوق التذاذ به ماکل و مشارب و مناکح بود، عدد فضائل اصلی به سبب اعتدال این قوا است... اجناس اصلی این فضائل، چهارند که عبارتند: از حکمت، شجاعت، عفت و عدالت که البته در تحت هر کدام از اینها انواعی قرار گرفته که هر یک از این انواع فضائل، نامحضورند... در تحت جنس عفت دوازده نوع فضیلت است که عبارت اند از حیاء، رفق، حسن هدی، مسالمت، دعت (خویشتن داری هنگام برانگیخته شدن شهوت)، صبر، قناعت، وقار، ورع، انتظام، حریت و سخاء است و در تحت جنس سخاوت هشت نوع فضیلت قرار گرفته است که عبارت اند از کرم، ایثار، عفو، مروت، نبل، سماحت، مسامحت و مؤاسات. (آملی، ۱۳۸۱ ش؛ ج ۲/ صص ۳۶۵-۳۷۰)

## ۲. جایگاه و اهمیت مؤاسات در روایات

۱۴۴

در روایات برای مؤاسات جایگاهی بس رفیع در نظر گرفته شده است و در باب اهمیت آن مطالب مهمی یافت می شود که در این جابه برخی از آن ویژگی ها اشاره می شود:

## ۲-۱. مؤاسات و جلب محبت

امام صادق علیه السلام می فرماید:

ثَلَاثُ خِصَالٍ تَجْتَلِبُ بِهِنَّ الْمُحَبَّةَ الْإِنْصَافِ فِي الْمُعَاشِرَةِ وَالْمُؤَاسَاةَ فِي الشَّدَّةِ وَالْإِنْطِوَاعَ وَالرُّجُوعَ إِلَى قَلْبِ سَلِيمٍ؛ (اربلی، ۱۳۸۱ ق: ج ۲، ص: ۳۴۹)  
سه خصلت جلب محبت می کند که یکی از آنها مؤاسات به هنگام سختی است.

## ۲-۲. مؤاسات و رحمت خداوند

امیرالمؤمنین به عنوان پدر بزرگوار حضرت عباس در جنگ صفین لشگریان خویش را بدین گونه تهیج می کردند:

رَحِمَ اللَّهُ امْرَأًا مِنْكُمْ آسَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ؛ (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق: ج ۱، ص: ۲۶۵)

## ۲-۳. مؤاسات و رزق

اهمیت مؤاسات تا به آنجاست که از ابو حمزه ثمالی نقل شده که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سخنرانی خود می فرمود: اگر اهل خانه ای که فاجزند باهم جمع شوند و به هم یاری برسانند خدا به آنها روزی می دهد و بالعکس اگر متقی باشند و از هم جدا شوند، خدا آنها را محروم می سازد. (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ص: ۳۴۷)

## ۲-۴. مؤاسات و ملاک شیعه بودن

صادق آل محمد علیه السلام می فرماید:

شیعیان ما با سه ملاک: محافظت بر اوقات نماز، حفظ اسرار و یاری رساندن به برادران دینی خود، آزمایش می شوند. (شیخ صدوق، ۱۴۰۲ ق: ص ۳۶)

## ۲-۵. مؤاسات و دشوارترین کارها

امام صادق علیه السلام انصاف با مردم مؤاسات با مردم و یاد خدا را در هر حالتی جزء دشوارترین کارها به شمار می آورند و می فرمایند:

أَشَدُّ الْأَعْمَالِ ثَلَاثَةً: إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى لَا تَرَضَى لَهُمْ إِلَّا مَا تَرْضَى بِهِ هَذَا

مِنْهُمْ وَ مُؤَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ . (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ص: ۱۴۴)

## ۲-۶. مؤاسات و بهترین اعمال و شایسته ترین احسان

مولی الموحدین علیه السلام مؤاسات را بهترین اعمال و بهترین نیکوکاری معرفی می نمایند:  
المُؤَاسَاةُ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ وَقَالَ أَحْسَنُ الْإِحْسَانِ مُؤَاسَاةُ الْإِخْوَانِ. (محدث نوری،  
۱۴۰۸ ق: ج ۷، ص ۲۱۰)

البته باید توجه داشت که بهترین شکل مؤاسات آن است که این عمل در تنگ دستی برادر مؤمن باشد تا اهمیت آن بیشتر آشکار شود این روایت در این مورد قابل توجه است.

## ۲-۷. تساوی بین مؤاسات و برادری

حضرت امام حسن علیه السلام می فرمایند:

يَا بَنِي لَا تُؤَاحِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَ مَصَادِرَهُ فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخَبْرَةَ وَ رَضِيَتْ  
الْعَشْرَةَ فَأَخِيهِ عَلَى إِقَالَةِ الْعَثْرَةِ وَ الْمُؤَاسَاةِ فِي الْعُسْرَةِ؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق:  
ص ۲۳۳)

برادری را با جبران لغزش و یاری رساندن به برادر دینیت کامل کن.

## ۲-۸. مؤاسات به معنی عدالت رفتاری

مؤاسات در سیره پیشوایان نیز به عنوان یک توصیه به رهبران اجتماعی پیشنهاد شده است که ما از آن به عنوان مؤاسات اجتماعی یاد می کنیم یعنی رهبر جامعه اسلامی باید در نگاه خویش مؤاسات را رعایت کند همان طور که حضرت علی در این باره به محمد بن ابی بکر آن هنگام که او را به مصر فرستاد این گونه توصیه می کند:

فَأَخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَ آسِ بَيْنَهُمْ فِي  
اللَّحْظَةِ وَ النَّظَرَةِ حَتَّى لَا يَطْمَعِ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ وَ لَا يَبْتَاسُ الضُّعَفَاءُ مِنْ  
عَدْلِكَ.

و در عبارت دیگر می فرمایند:

أَنْ يُؤَاسِيَ بَيْنَهُمْ فِي مَجْلِسِهِ وَ وَجْهَهُ لِيَكُونَ الْقَرِيبُ وَ الْبَعِيدُ عِنْدَهُ فِي الْحَقِّ سَوَاءً وَ أَمْرَهُ  
أَنْ يَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ أَنْ يَقُومَ بِالْقِسْطِ. (مجلسی، ۱۴۰۳ ج: ۳۳ / ص ۵۴۰)





## ۹-۲. مؤسسات و عدالت اقتصادی

یکی از ویژگی‌های رهبران جامعه در شیعه نسبت به مردم رعایت مؤسسات اقتصادی است آن جا که امام حسن علیه السلام در مورد پدر بزرگوارشان می‌فرماید که مردم از حضرت به سمت معاویه رفتند چون ایشان عدالت اقتصادی را بین مردم رعایت می‌کردند و این خوشایند گروهی از مردم نبود:

لَمَّا مَاتَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَظَبَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكَوْفَةِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَفِتْنَةٍ وَكُلُّ مَا فِيهَا فَايِلٌ زَوَالٍ وَاضْمِحْلَالٍ.. عَلِمْتُ أَنَّ أَبَاكَ إِنَّمَا رَغِبَ النَّاسُ عَنْهُ وَصَارُوا إِلَى مُعَاوِيَةَ لِأَنَّهُ آسَى بَيْنَهُمْ فِي الْعَطَاءِ فَتَرْتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعَمَالَ. (مناقب آل أبي طالب علیهم السلام ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق: ج ۴، ص: ۳۱)

## ۱۰-۲. تساوی مؤسسات و حق مؤمن بر مؤمن

از امام صادق علیه السلام سؤال شد حق مؤمن بر مؤمن چیست؟ و ایشان محبت بی منت، کمک مالی، جانشین مناسب در غیاب او و یاری رساندن او به هنگام ظلم راحق مؤمن برشمردند. (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ص: ۱۷۱)

## ۱۱-۲. مؤسسات و زیادی روزی

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ تَرَكَ نَسِجَ الْعَنْكَبُوتِ فِي الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ... وَ مُؤَاَسَاةَ الْأَخِ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ الْبُكُورُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ الْإِسْتِغْفَارُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ. (شيخ صدوق ۱۳۶۳ ق: ج ۲، ص: ۵۰۵)

یکی از مهم‌ترین آثار و نتایج مؤسسات زیادی در روزی می‌باشد، ایشان در این حدیث ۱۶ مورد را باعث فقر و ۱۷ مورد را باعث رزق معرفی می‌نمایند و در کنار صله رحم، استغفار، سخن حق، وضو قبل از غذا و شکرگذاری، یاری رساندن به برادر دینی در راه خدا را هم ردیف یکدیگر به شمار آورده است.

## ۱۲-۲. مؤسسات و نشانه ولایت مداری اهل بیت علیهم السلام

یکی دیگر از مهم‌ترین آثار دنیایی و آخرتی مؤسسات رسیدن به کمال ولایت اهل بیت

می باشد که امام صادق علیه السلام می فرمایند: به خدا سوگند که فقط کسی به تولای ما دست می یابد که پرهیزکار و تلاشگر و یاری رسان به برادران دینی خود در راه خدا باشد:

قُلْ لَهُمْ لَا تَذْهَبَنَّ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ فَوَاللَّهِ لَا تُنَالُ وَلَا يُنَالُ إِلَّا بِالْوَجْهِ وَالْإِجْتِهَادِ فِي الدُّنْيَا وَ  
مُؤَاَسَاةِ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ص: ۳۰۳)

### ۲-۱۳. مواسات و طبقه برتر جامعه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

امت من در دنیا به سه طبقه تقسیم می شوند: بی توجه به دنیا، دنیا طلب، طالب دنیا و آخرت خدا محور که اهل مواسات به فقیرانند. (بحار الأنوار) (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۰، ص: ۱۷)

### ۲-۱۴. مواسات و بهترین اعمال در حد معرفت، نماز، زکات و روزه

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

بهترین اعمال به ترتیب اولویت عبارتند از: معرفت، نماز، زکات، روزه، حج و احترام به برادران دینی و یاری رساندن به آنهاست. (الأمالی) (لطوسی)، ۱۴۱۴ ق: ص ۶۹۴)

### ۲-۱۵. درخواست مواسات در نیایش اهل بیت

در بعضی از ادعیه که از امامان معصوم به ما رسیده است این ویژگی به عنوان یک درخواست مطرح شده است برای مثال در دعای امام سجاد و قنوت امام جواد این چنین آمده است:

عَنِ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ علیه السلام... اَعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ وَلَا تُخْزِرْهُ بِمَعْصِيَتِكَ وَارْزُقْنِي  
مُؤَاَسَاةَ مَنْ قَتَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ مِمَّا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ  
نِعْمَةٍ وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ. (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ج ۱، ص: ۳۶۲)

### ۲-۱۶. مواسات و همراهی با امام زمان خویش

امام حسین علیه السلام در دیدار با یکی از فرماندهان لشگر خویش [مسلم بن عوسجه]

از او می خواهد که نسبت به امامش مؤاسات را به جای بیاورد. (ابن مشهدی،  
۱۴۱۹ ق: ص ۴۹۲)

### ۲-۱۷. مؤاسات و سرآمد کارها

پیامبر ﷺ حضرت علی علیه السلام را از سه خصلت حسد، حرص و کذب نهی می فرمایند و  
به سه خصلت عدالت با مردم، یاری رساندن به برادران مؤمن و یاد خداوند تعالی امر  
می فرمایند. (شیخ صدوق، ۱۳۶۲ ش: ج ۱، ص: ۱۲۵)

### ۳. چهره های مؤاسات در صدر اسلام

در تاریخ صدر اسلام چهره های ارزشمندی مشاهده می شوند که در روایات لقب  
مؤاسی به آنان اطلاق شده است که براساس تقدم زمانی به ترتیب زیر می باشند که البته  
تعداد مؤاسین بیش از اینها است که به علت ضیق مجال از ذکر نام آنان صرف نظر  
می شود، افرادی از قبیل حضرت زهرا علیها السلام، تمامی ائمه و اصحاب آن بزرگواران همگی از  
مصادیق مؤاسات کنندگان بودند.

#### ۳-۱. حضرت ابوطالب علیه السلام

یکی از شخصیت هایی که به مؤاسات معروف شده، جناب ابوطالب علیه السلام می باشد که  
در روایات از او به عنوان مؤاسات با جان و یاری کننده نام برده شده است از امام  
صادق علیه السلام نقل شده که حضرتش فرمودند:

كَانَ أَبُو تَالِبٍ الْمُؤَاسِي لَهُ بِنَفْسِهِ وَ النَّاصِرَ لَهُ. (مناقب آل ابی طالب علیهم السلام ابن  
شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق: ج ۱، ص: ۲۶۱)

#### ۳-۲. حضرت خدیجه علیها السلام

یکی دیگر از این شخصیت ها حضرت خدیجه علیها السلام می باشد خدیجه بنت خویلد  
اولین کسی بوده است که به پیامبر ایمان آورده و با مالش با او مؤاسات کرده است سپس  
علی بن ابی طالب به او ایمان آورده در حالی که پسری هفت ساله بوده است که چشم  
برهم زدن شرک نورزیده است:

كَانَ أَوَّلَ مَنْ آمَنَتْ بِهِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ فَوَاسَتْهُ بِهَا لَهَا ثُمَّ آمَنَ بِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ  
عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ سَبْعَ سِنِينَ لَمْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ شَيْئًا ظَرْفَةَ عَيْنٍ. (ابن طاووس، ص: ۱۴۰۰ ق:  
ج ۱، ص: ۲۷۶)

### ۳-۳. امام علی علیه السلام

نمونه کامل دیگر از مؤسسات در صدر اسلام ليله المبيت و کار قهرمانانه  
امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد که در روایات اهل بیت نقل شده که حتی ملائکه مقرب آسمان  
نیز از آن به شگفت آمده اند:

لَقَدْ عَجِبَتِ الْمَلَائِكَةُ الْمُقْرَبُونَ لِمُؤَاسَاةِ هَذَا الرَّجُلِ لَكَ بِنَفْسِهِ. (فرات الکوفی،  
ص: ۹۵)

در روایت دیگری آمده است که حتی جبرئیل از این همه مؤسسات او به پیامبر تعجب  
می کند ولی پیامبر می فرماید چون من از او و او از من است:

فَقَالَ جِبْرِئِيلُ علیه السلام إِنَّ هَذِهِ لَهِيَ الْمُؤَاسَاةُ يَا مُحَمَّدُ فَقَالَ إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ. (کلینی، ۱۴۰۷ ق  
ج ۸، ص ۱۱۰)

### ۳-۴. حضرت عباس علیه السلام

این سردار دلاور، طبق شواهد بسیاری ملقب به صفت مؤاسی آن هم در بالاترین مقام  
و ائصاف ایشان از جانب اهل بیت علیهم السلام است و هدف مقاله اثبات همین اصل بوده و در  
ادامه به آن پرداخته خواهد شد؛ البته این گونه مؤسسات بزرگان اسلام نسبت به یک دیگر  
چیز غریبی نیست چرا که جایگاه مؤسسات در اسلام جایگاه رفیعی است و نمونه های  
فراوانی از این گونه افراد وجود داشته و دارد.

### ۴. نگاهی گذرا به زندگانی حضرت عباس علیه السلام

نام: عباس بن علی بن ابی طالب علیه السلام

ولادت: چهارم شعبان سال ۲۶ ه ق در شهر مدینه

شهادت: سال ۶۱ ه ق دهم محرم در کربلا

طول عمر گرامی: مدت ۳۴ سال و ۵ ماه و ۶ روز



نام پدر: بزرگوارشان علی بن ابی طالب از خاندان بنی هاشم و پیامبر ﷺ  
 نام مادرشان: فاطمه بنت حزام از قبیله بنی کلاب و ملقب به ام البنین  
 خواهران و برادران از یک پدر و مادر: عبدالله ۲۵ ساله، عثمان ۲۱ ساله و جعفر ۱۴ ساله  
 که همگی در واقعه کربلا به شهادت نائل شدند  
 نام همسرشان: «لبابه» دختر عبدالله بن عباس  
 نام فرزندانش: عبیدالله، فضل، حسن، قاسم، و یک دختر و ابن شهر آشوب محمد را  
 هم از فرزندان ایشان شمرده است که همه ایشان از علماء و فضلاء و محدثان بوده‌اند.  
 کنیه اش: ابوالفضل و ابوالقربه  
 القاب مبارکش: حامل الواء، ضیغم (شیر)، سقا، طیار، واقی (نگهبان)، فادی (فداکار)،  
 مستجار (پناه دهنده)، ظهر الولاية (پشتیبان ولایت)، شهید، عبد صالح، ساعی، مؤثر  
 (ایثارگر)، اخ المواسی (ری شهری، ۱۴۳۴ ق / صص ۸۳۸-۸۳۹)

## ۵. جلوه‌های مؤاسات در سیره علم دار کربلا

حضرت ابوالفضل، عباس بن علی بن ابی طالب علیه السلام به جهت آن که ایشان مظهر فداء، ایثار، صفا، وقار، شجاعت و شهامت و مؤاساتند و در بین شهدای کربلا بسان ماه در آسمان شب چهاردهم می درخشند، لذا باید سیره و رفتار بزرگوارانه آن حضرت به دقت مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد حضرت عباس را باید با تمام شهداء و انبیاء مقایسه نمود نه با مردم عادی همان گونه که حضرت سجاد علیه السلام درباره ایشان فرمودند:

إِنَّ لِّلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَنْزِلَةً يَغْبِطُهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.  
 (صدوق، ۱۳۶۲س: ص ۵۴۷)

تربیت در مهد علم و دانش و باب مدینه علم پیامبر و مادری بسیار با فضیلت معلوم است که چه شخصیتی را خواهد پروراند و کسی جز عباس بن علی علیه السلام نباید تربیت شود، این یقین سرشار او و پایبندی او به مؤاسات محصول تربیت پدری جز علی و مادری چونان ام البنین نمی تواند باشد.  
 امام صادق علیه السلام درباره او فرمودند:

کان عمنا عباس نافذ البصیره، صلب الایمان؛ (ری شهری، ۱۴۳۴ ق/ ۸۴۲)  
عموی ما عباس دارای بصیرتی نافذ و ایمانی محکم بود.

در تأیید حدیث بالا در زیارت نامه آن حضرت منقول از امام صادق علیه السلام  
چنین می خوانیم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهَنْ وَلَمْ تَنْكُلْ وَأَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ مُقْتَدِيًا  
بِالصَّالِحِينَ وَمُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ؛ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش: ص ۲۵۸-۲۵۷)  
گواهی می دهم که توهیچ سستی و کوتاهی نکردی و در کار خود با بینایی و  
بیدار دلی در اقتدا به صالحان و پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله عمل نموده‌ای.

در روایت دیگری می خوانیم که در کودکی پدرش او را در دامان خود نشانید و بدو فرمود:  
بگو: یک، گفت یک فرمود بگودو، ابوالفضل امتناع ورزید و گفت: شرم می کنم با زبانی که  
یک گفتم دو بگویم (مقرم، ۱۴۱۱ ق/ ص ۱۹۱) (به نقل از مستدرک ج ۳/ ص ۸۱۵)، بلی  
حضرت عباس علیه السلام در محضر استادانی چون حضرت علی، حضرت امام حسن و امام  
حسین علیهم السلام تربیت یافته است.

البته باید توجه داشت که اوج ایثار و تجلی مؤاسات عباس بن علی علیه السلام در کربلا  
و در زمان امام حسین علیه السلام نمود پیدا می کند؛ مخصوصاً در ماجرای امان نامه ای که  
شمر بن ذی الجوشن به واسطه عبدالله بن ابی محل بن حزام که ام البنین عمه او  
بود توسط غلام خود به کربلا فرستاد به طرف خیمه گاه حسین علیه السلام رفت و به عباس  
و برادرانش گفت این امان نامه ای است از طرف عبیدالله که دایی تان عبدالله، آن را  
برای شما فرستاده است آنان گفتند: به دایی ما سلام برسان و بگو ما نیازی به امان نامه  
نداریم و امان خدا از امان زاده سمیه برتر است امان الله خیر من امان بن سمیه) (مقرم،  
۱۴۱۱ ق/ ص ۲۱۰)

جلوه های مؤاسات را می توان در سه مرحله از زندگی ایشان و سه امام بزرگوار  
مشاهده نمود:

الف) جلوه های مؤاسات در زمان کودکی، نوجوانی و جوانی و در کنار پدر  
بزرگوارشان علی بن ابی طالب علیه السلام مانند حضور ایشان در شرکت در جنگ صفین



و دلاوری ایشان.

عبدالرزاق مقرر در کتاب خود از قول مؤلف کتاب الکبریت الاحمر از کتب معتبر نقل می‌کند که حضرت ابوالفضل در جنگ صفین با زوی امام حسین علیه السلام در حمله به سپاه معاویه بوده که منجر به آزاد شدن آب شده است همچنین در کتاب فوق آمده است که در یکی از روزهای صفین، جوانی که به صورتش نقاب زده و هیبت و شجاعت از او آشکار بوده و عمرش ۱۷ سال حدس زده می‌شد وارد میدان شد و مبارز طلبید و جنگ آوران جبهه باطل، از رویا رویی با او احتراز می‌جستند اما معاویه ابوشعثاء که یکی از سپهسالاران سپاه معاویه بود؛ را به مبارزه با او فراخواند ولی او شأن خود را بالاتر دانسته و یکی از فرزندان او را به سمت او فرستاد و در نهایت یک یک پسران هفت گانه او به دست آن نوجوان نقاب دار کشته شدند و سرانجام خود این پهلوان نامی نیز به دست این نوجوان کشته شد سپاهیان حضرت علی علیه السلام از مشاهده دلاوری شایان حضرت ابوالفضل علیه السلام در شگفت شدند اما او را نشناختند، ولی وقتی که این نوجوان از نبرد فراغت یافت و به محل استقرار خود برگشت پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام او را فراخواند و نقاب از چهره اش برگرفت و همگان مشاهده کردند که این نوجوان قمر بنی هاشم است (المقرر، ۱۴۱۱ هـ ق: صص ۲۷۶-۲۷۷).

ولی این مطلب با سال تولد حضرت ابوالفضل علیه السلام تناسبی ندارد زیرا ایشان در زمان جنگ صفین ده سال بیشتر نداشته است؛ ضمن این که محدث نوری در کتاب لؤلؤ و مرجان نسبت به شرکت در جنگ صفین و حضور ایشان تردید جدی وارد ساخته است و آن را غیر محتمل دانسته و می‌نویسد:

فقط صاحب کتاب مناقب خوارزمی آن را نقل نموده است. (نوری، بی تا: ص ۲۰۲)

البته با توجه به رشادت فوق العاده حضرت عباس شرکت در این جنگ استبعادی ندارد با توجه به این که قاسم فرزند امام حسن نیز با وجود عدم رسیدن به سن تکلیف در کربلا حضور داشت و با دلاوری و جانبازی خود لرزه به اندام دشمنان انداخت و عده از شجاعان آنان را به درک واصل نمود؛ پس حضور حضرت ابوالفضل علیه السلام در این جنگ

محتمل به نظر می‌رسد.

ب) جلوه‌های مواسات در زمان جوانی و در کنار برادر بزرگوارشان امام حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام و دفاع از جسد مبارک امام حسن علیه السلام:  
در هنگام شهادت امام حسن علیه السلام، قمر بنی‌هاشم ۲۴ سال داشت و مؤلف کتاب «قمر بنی‌هاشم» در ص ۸۴ می‌نویسد:

هنگامی که عباس مشاهده نمود که بنی‌امیه، پیکر مطهر برادرش را زیر باران تیروپیکان گرفته‌اند قصد حمله به آنان را داشت اما امام حسین علیه السلام بنا بر وصیت برادرش امام حسن علیه السلام که جنگ را روا نداشته بود او را باز داشت و از او خواست منتظر وعده الهی باشد؛ تا زمانی که در کربلا به شهادت رسید. (المقرم، ۱۴۱۱ هـ ق: صص ۲۸۰)

ج) جلوه مؤاسات در کنار برادر بزرگوارشان امام حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام و اوج حضور در صحنه عاشورا و علمداری لشکر کربلاست و در زیارتنامه ایشان در زیارت ناحیه مقدسه خطاب به حضرتش می‌فرمایند:

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الْمُؤَاسِي أَخَاهُ بِنَفْسِهِ الْأَخِذِ لِعَدِهِ مِنْ أَمْسِهِ الْفَقَادِي لَهُ الْوَأَقِي السَّاعِي إِلَيْهِ بِمَائِهِ الْمُقْطُوعَةِ يَدَاهُ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ يَزِيدُ بَنَ الرَّقَادِ الْجُهَنِيِّ وَ حَكِيمَ بَنَ الطُّفَيْلِ الطَّائِي؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ق: ج ۴۵ ص ۶۸)

سلام بر ابوالفضل العباس که جان خود را در راه برادرش فدا نمود، از امروز خود برای فردای (قیامت) توشه ساخت، پاسدار حسین علیه السلام بود، در اجرای فرمانش برای سیراب سازی خاندانش کوشید و در این راه دو دستش قطع شد، خدا لعنت کند قاتلان او را یزید بن رقاد جهنی و حکیم بن طفیل سنسی طائی را.

ج-۱. مواسات و بیعت یاران: در آخرین شب و پس از خطبه امام حسین علیه السلام وقتی ایشان بیعت خویش را از گردن اصحاب خویش برداشتند:

شب عاشورا فرا رسید، امام حسین علیه السلام همه اصحاب خود را به نزد خود جمع کرد، پس از حمد و ثنای الهی، به آنها چنین فرمود: همانا من یارانی را بهتر از شما و خاندانی را بهتر و نیکوتر از خاندانم نمی‌شناسم، خداوند به همه شما پاداش نیک عنایت فرماید. اکنون



که تاریکی شب همه جا را فراگرفته است، (بدون شرم) تمام شب، به سرعت دور شوید و هریک از شما دست یکی از خاندان مرا گرفته و از اینجا پراکنده و دور شود، مرا تنها با این دشمنان باقی گذارید، زیرا آنها تنها به من کار دارند. پس یاران و خاندان او گفتند: « برای چه این کار را بکنیم؟ برای اینکه بعد از تو بمانیم، هرگز خداوند چنین چیزی را بهره و نصیب ما نسازد.» نخست حضرت عباس علیه السلام این سخن را گفت و سپس بقیه در این گفتار از او پیروی کردند. (سید ابن طاووس، ۱۴۱۷ق: ۱۵۱)

ج-۲- رجز خوانی حضرت و مواسات علنی و زبانی او در میدان کارزار: در آخرین ساعات پیکار عاشورا وقتی عباس تصمیم گرفت به سمت فرات رود، برصفوف دشمن که از دست رسی به آب جلوگیری می کردند این رجز را می خواند: من از مرگ نمی هراسم هنگامی که مرگ بانگ می زند، تا آن هنگام که میان دلاور مردان کار آزموده فروافتم و به خاک پوشیده شوم. جان من سپر بلای جان پاک فرزند مصطفی است، من عباسم که با مشک آب می آیم و روز کارزار از سختی پیکار هراسی ندارم. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۴۵/ص ۴۰)

لا اربب الموت اذا الموت رقی حتی اوارى فى المصالیت لقا  
 نفسى لنفس المصطفى الطهر وقا انى انا العباس اغدوا بالسقا  
 ولا اخاف الشریوم الملتقى

بعد از این که زید بن ورقاء که پشت درختی پنهان شده بود از کمین بیرون آمده و به کمک حکیم بن طفیل ضربه ای به دست راست حضرت زد و دست از بدن مبارکش جدا نمود و حضرت شمشیر به دست چپ گرفت و رجز خواند: به خدا سوگند اگر دست راست مرا قطع کنید من هرگز دست از حمایت از دینم بر نمی دارم و هرگز از پیشوای راستین حق خود که فرزند پیامبر امین است، دست نمی کشم. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۴۵/ص ۴۰)

والله ان قطعتموا یمینى انى احمى ابداء عن دینى  
 وعن امام صادق الیقین نجل النبی الطاهر الامین

و پس از قطع دست چپ شجاعانه به رجز خوانی پرداخت و فرمود: ای نفس از کافران نترس که تورا مژده باد به رحمت خدای جبار و تورا مژده باد به همراهی با پیامبری که سرو برگزیدگان است. اکنون آنان دست چپ مرا نیز از سرسنگری از بدن جدا نمودند پس پروردگارا! آن را در آتش برافروخته دوزخ بسوزان مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۴۵ / ص ۴۰)

يا نفس لا تخشى من الكفار      وأبشري برحمة الجبار  
مع النبي السيد المختار      قد قطعوا ببغيهم يساري  
فأصلهم بارب حرّ النار

ج-۳- اوج مؤاسات: بالاترین درجه مؤاسات زمانی است که دلاور کربلا با لب تشنه وارد فرات شد و بی آن که آب بنوشد بیرون آمد و از طرف دیگر برای سیراب کردن کودکان امام و تشنگان حرم به شریعه فرات رفت و در همین راه به شهادت رسید و جوانمردانه فدای برادر و امام خویش گردید به همین ویژگی مؤاسات در آداب زیارت حضرتش چند بار این چنین آمده است:

السَّلَامُ عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، الْمُؤَاسِي أَخَاهُ بِنَفْسِهِ؛ (ابن المشهدی، ۱۴۱۹ ه ق ص ۴۸۹)

سلام بر عباس بن امیر المؤمنین کسی که برادرش را با جان خود مؤاسات نمود.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الصَّالِحُ وَالصَّادِقُ الْمُؤَاسِي» (همان، ۱۴۱۹ ه ق ص ۴۲۵)  
سلام بر تو ای ولی صالح و راستگوی مؤاسات کننده.

أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَخِيكَ، فَ نِعْمَ الْأَخُ الْمُؤَاسِي؛ (همان، ۱۴۱۹ ه ق ص ۳۹۱)

شهادت می دهم که تو برای خدا و پیامبر و برادرت خیر خواهی را به کمال ادا نمودی پس بهترین برادر مؤاسات کننده هستی.

### جمع بندی و نتیجه گیری

معنای لغوی مؤاسات عبارت است از غم خواری، یاریگری، مددکاری شخصی با مال

و جان و برابرگردیدن آن شخص با خویش و همراهی در رزق و معاش و در زبان عربی از دو ریشه «أسی» و «أسو» گرفته شده که در اغلب عبارات به سه معنی حزن و اندوه، درمان جراحات و مساوی کردن دو چیز می باشد که در روایات و معنای اخلاقی آن همین معنای سوم یعنی همراهی با بقیه افراد در قلب، زبان و عمل مورد نظر است. مؤاسات ویژگی های متعددی از قبیل علامت شیعه بودن، جلب رحمت الهی، توسعه در رزق و برترین عمل در ردیف نماز و روزه و زکات است و مهم ترین نشانه ولایت مداری و همراهی با امام زمان برای هر شیعه می باشد و ائمه مؤاسات را به عنوان امری نفیس از خدای متعال در دعاهای خویش درخواست کرده اند. بعد از حضرات معصومین چهره های اهل مؤاسات و مساوات در صدر اسلام افراد خاصی مثل حضرت ابوطالب، حضرت خدیجه و اصحاب پیامبر و ائمه بودند ولی حضرت عباس علیه السلام چهره شاخص مؤاسات در طول زندگانی خویش است و اوج این مؤاسات حضور در کربلا و مؤاسات قلبی، زبانی و عملی او با امام زمان خویش یعنی سالار شهیدان است که در لحظه آخر عمرشان با وجود این که به دسترسی داشت و می توانست آب بنوشد ولی به خاطر مؤاسات و ایثار با بقیه از نوشیدن آب صرف نظر نمود و باللب تشنه به شهادت رسید.

## منابع

- آملی، شمس‌الدین محمد بن محمود (۱۳۸۱ هـ ق)، نفايس الفنون في عرايس العيون، تهران، اسلاميه
- ابن اثير، محمد بن مبارك شيباني (۲۰۱)، النهايه في غريب الحديث و الاثر، چاپ اول، بيروت، دار احياء التراث العربي
- ابن بابويه، محمد بن علي (۱۴۰۳ هـ ق)، مصادقة الإخوان، چاپ اول، الكاظميه، مكتبة الإمام صاحب الزمان العامة
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۲ هـ ش)، خصال، چاپ اول، قم، جامعه مدرسين
- ابن دريد، ابی بکر محمد بن حسن (۱۳۸۴ هـ ش)، جمهره اللغه، چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ هـ ق)، تحف العقول، چاپ دوم، قم، جامعه المدرسين
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ هـ ق)، مناقب آل ابی طالب، چاپ اول، قم، علامه
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۰ هـ ق)، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، چاپ اول، قم، خیام
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ هـ ق)، مهج الدعوات، چاپ اول، قم، دار الذخائر
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ هـ ش)، کامل الزیارات، چاپ اول، نجف، دار المرتضویه
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ هـ ق)، المزار الكبير، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ هـ ق)، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، چاپ اول، تبریز، انتشارات بنی هاشمی
- انوری، حسن (۱۳۹۰ هـ ش)، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ هفتم، تهران، سخن

- تهانوی، محمد علی بن علی (بی تا) کشف و اصطلاحات الفنون، بیروت، دارالصادر
- جر، خلیل (۱۹۷۳ م)، لاروس، پاریس، مکتبه لاروس
- جرجانی، علی بن محمد (۱۴۱۸ ه ق)، التعریفات، چاپ چهارم، بیروت، دارالکتب العربی
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ ه ق)، قرب الاسناد، چاپ اول، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام
- دشتی، محمد (۱۳۸۰ ه ش)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ پنجم، تهران، اسوه
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ ه ش)، لغت نامه، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران
- ری شهری، محمد (۱۴۱۳ ه ق)، الصحیح من مقتل سید الشهداء و اصحابه، چاپ دوم، قم، دارالحديث
- زمخشری، جازالله (۱۹۴۷ م)، الکشاف، بیروت، دارالکتب العربی
- طبرسی، ابو علی فضل بن حسن (۱۳۳۹ ه ش)، مجمع البیان، چاپ افسست، بیروت، احیاء التراث العربی
- طریحی، فخرالدین (۲۰۱۰ م)، مجمع البحرين، چاپ اول، بیروت، الامیره
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ ه ق)، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، چاپ اول، بیروت، موسسه فقه الشیعه
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴ ه ق)، امالی، چاپ اول، قم، دارالثقافه
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ ه ق)، العین، چاپ اول، تهران اسوه
- فیروزآبادی، مجد الدین محمد (۱۹۵۲ م)، القاموس المحیط، بیروت، دارالجیل
- قرشی، علی اکبر (۱۳۵۲ ه ش)، قاموس القرآن، چاپ اول، تهران، دارالکتب اسلامی
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ ه ق)، تفسیر فرات الکوفی، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد اسلامی
- کفوی، ابوالبقاء ایوب بن موسی (۱۳۹۱ ه ش)، الکلیات، چاپ اول، قم، ذوی القربی
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ه ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دارالکتب الإسلامیة

- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ه ق)، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ه ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید
- مقرم، سید عبدالرزاق الموسوی (۱۴۱۱ ه ق)، مترجم ناصر پاک پرور، سردار کربلا حضرت ابوالفضل العباس، چاپ اول، تهران، الغدیر
- نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ ه ق)، الغیبه، چاپ اول، تهران، نشر صدوق
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ ه ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام
- (بی تا) لؤلؤ و مرجان، کانون انتشارات عابدی

